



دکتر «رابرت گولد» استاد روانشناسی دانشگاه لوس آنجلس آمریکا معتقد است که انسان در سن ۰۰ سالگی است که به رشد و تکامل واقعی میرسد و قبل از این سن چون رشد انسان کامل نیست بناچار در زندگی و مخصوصاً زندگی زناشویی و خانوادگی مرتکب اشتباهاتی می شود که منجر به بحران هایی میگردد.

زناشویی و خانوادگی در سنین مختلف به تحقیقات مفصلي پرداخته است و این موضوع را روی در حدود هزار زوج مختلف مورد مطالعه قرار داده است و به نتیجه رسیده است که یک زن و شوهر در زندگی خانوادگی، به نسبت سن خود مراحل مختلفی را طی میکنند که هر مرحله به نسبت سن آنها توأم با بحران ها و تحولات خاصی است. و در حقیقت در بحران های زندگی، زن و شوهر

دکتر گولد در مورد تحولات رابطه

غالباً گناهی ندارند و این گناه مربوط به اقتضای سن آنهاست که این دشواریها و حالات روحی را پیش می‌آورد .  
دکتر گولد با فرض آنکه زن و شوهری در ۲۵ سالگی ازدواج کرده باشند ، پنج دوره تحول را در زندگی آنها نسبت به سنشان مشخص کرده است :

کرده‌اند . چون هردو کاملاً جوان هستند به آینده خود امیدوارند و اگر در عالم خیال هم شده باشد ، تصوراتی درباره یک زندگی بهتر و درخشان‌تری نزد خود می‌کنند . اگر هم کم‌بول باشند و درآمدشان کافی نباشد ، بی‌پولی برای آنها یک معمای لاینحل و

ناراحت‌کننده نخواهد بود . گرچه ممکن است در این دوره اختلافاتی میان زن و شوهر پیدا شود ولی بزودی آنها با یکدیگر آشتی می‌کنند

و اختلاف برطرف می‌گردد و علت هم اینست که اعصاب هردو در این سن خوبست و هر دو ایمان دارند که هر قدر بگذرد روابط آنها و زندگی زناشویشان بهتر خواهد شد .

مرحله اول بین ۲۵ تا ۲۸ سالگی  
در این مرحله زن و مرد وارد زندگی جدیدی شده‌اند و زندگی برای آنها مفهوم تازه‌ای پیدا کرده است و هر دو حس می‌کنند که وظیفه جدی و سنگینی در زندگی پیدا

## خانم، آیا شما در کدامیک از این مراحل هستید

بین ۲۹ تا ۳۴ سالگی

طبق تحقیقات دکتر گولد در سن ۲۹ سالگی محیط و اتمسفر زندگی خانواده زن و شوهر یکمرتبه تغییر می‌کند و آنها احساسات تازه‌ای پیدا می‌کنند ، مرد و زن متوجه می‌شوند که بر اثر ازدواج و در نتیجه وجود شوهر و یا همسر و یا بچه‌هایی که نمره ازدواج است به زندگی خانوادگی مقید شده‌اند و آزادی سابق خود را از دست داده‌اند . البته در آغاز ازدواج هم زن و شوهر این موضوع را می‌دانستند

ولی آنرا باید گفت که کاملاً لمس نکرده - بوده‌اند ولی حالا خوب بآن توجه می‌نمایند و می‌بینند وارد یک زندگی شده‌اند که دیگر نمی‌توان آنرا تغییر داد . و بهمین جهت این مرحله از زندگی زناشویی غالباً توأم بسا





کودکی خودشان میافتند و گناه تمام اشکالات زندگی خود را بگردن پدر و مادر خسود میاندازند .

دکتر گولد در تحقیقات خود باین نتیجه رسیده است که کلیه زنان و مردان ۳۰ ساله معتقدند که تمام دشواریهای زندگی آنها بر اثر اشتباه پدران و مادران شان است . در هر حال این دوره از ازدواج یک دوران بحرانی است و اگر از زن و شوهرهایی که در این سنین هستند سؤال شود که آیا خوشبخت هستند و از زندگی زناشویی خود راضی میباشند ، جواب مثبت نمیدهند . ولی باید دانست که عدم رضایت زن و شوهر از زندگی نباید بهیچوجه باین عنوان تلقی گردد که آنها از ازدواج با یکدیگر راضی نیستند و یا بالعکس زن و شوهر کمی بعد توجه پیدا می کنند که ازدواج چقدر خوب بوده است و چقدر بجا بوده که ازدواج کرده اند .

کشمکش ها و برخوردهایی است که در دوران هر یک از زن و شوهر میان آنچه که آنها میخواهند انجام دهند و آنچه که آنها را مسئول و پای بند کرده است بوجود آمده است . زن و شوهرهای ۲۹ تا ۳۲ ساله غالباً تلاش زیادی می کنند که شخصیت خود را حفظ کنند ، شخصیتی که شریک زندگی آنها سعی دارد آنرا تغییر دهد و مطابق تمایلات خود بسازد . در سنین ۳۲ تا ۳۶ سالگی آنها متوجه مسائل و امور مادی زندگی می شوند و غالباً از کم پولی و نداشتن درآمد کافی و مطابق میل خود رنج میبرند . آنها میل دارند که زندگی بهتری مطابق آنچه که قبلاً نزد خود تصور میکردند داشته باشند ولی پول و درآمدی که بدست میآورند بآنها اجازه داشتن چنین زندگی را نمیدهد . از همه مهمتر آنکه زن و شوهر در این سن و سال حالا پدر و مادر هم شده اند و با دیدن فرزندان خود بیاد دوران



زن و شوهرهایی که در خارج از خانه اشتغالانی دارند در این سنین باوج ترفیعات شغلی خود و استعداد رسیده و موفقیت در امور مالی و عادی آنها نیز زیادتز از دوران دیگر

است . این موفقیتها با افزایش گرفتاری توام است از نظر زندگی خانوادگی اشکالات و ناراحتیهایی بوجود میآورد زیرا آنها کمتر مجال پیدا می کنند که بیکدیگر برسند .

دکترگولد باین نتیجه رسیده است که زنان و مردان میان سنین ۳۷ تا ۴۳ سالگی نسبت به تأمین آتیه خود علاقه زیادی نشان میدهند و نگران آینده خود هستند . آنها غالباً

میگویند : ما از زندگی خود توقعات زیادی داشتیم و نقشه های دور و درازی کشیده بودیم که الان می بینیم آنها را نمیتوان عملی کرد و این نقشه ها فقط خواب و خیال بوده است و

قصرهای طلایی را نمی توان ساخت . و بعد هم علاوه میکنند که حالا باید بآنچه بدست آورده ایم راضی باشیم زیرا دیگر وقت وفرصتی برای اجرای نقشه های خود نداریم دراینجاست

که گاهی اختلاف نظرهایی میان زن وشوهرها پیدا می شود . آنها گاه عدم موفقیتها را در اجرای نقشه هایی که داشته اند بگردن یکدیگر میاندازند . در این سنین نگرانی هایی درباره وضع سلامتی و بهداشت نیز پیدا می شود ، قوا

و نیروی جوانی کم کم از بین می رود و زن و شوهر نسبت به وضع سلامتی یکدیگر کم کم نگران میشوند . در این دوران زن و شوهر

باید با هم تفاهم پیدا کنند که زندگی خانوادگی را ناچارند ادامه دهند و برای ادامه آنها باید افکارمستشنت و خواب و خیال های طلایی را از خود دورکنند و به حقایق زندگی توجه داشته باشند .

### بین ۴۴ تا ۵۰ سالگی

از خصوصیات این سنین یک اعتماد به نفس زیادتزیست که در زن و شوهرها پیدا می شود . دکترگولد در سئوالاتی که از زن و شوهرهای این سنین کرده باین نتیجه رسیده که آنها نگرانی دوران قبل را کمتر دارند و حتی در مورد سلامتی خود باندازه سن ۳۷ سالگی نگران نیستند ، آنها درک کرده اند که قدرت کار و فعالیت آنها اگرچه نسبت بدوران

## زیادتر از ۰۰ سال

زن و شوهرهایی که به سن بالاتر از ۰۰ سالگی رسیده‌اند در حقیقت برخلاف تصور همه در یک دوران طلایی و (ماه عسل ازدواج) هستند آنها تازه باهمیت روابط مقدس زن و شوهری پی برده‌اند ، علاقه آنها بشرکت در میهمانی‌ها ، دعوت‌ها و ضیافت‌ها بتدریج کم می‌شود و بیشتر تمایل پیدا می‌کنند که در کنار یکدیگر و باهم باشند . دکتر گولد در تحقیقات خود از زنان و مردان ۰۰ سال بیلا غالباً این جمله را شنیده است : «مهم‌سرم برای من از هرکسی مهمتر است ، او را از خودم هم بیشتر دوست دارم» در این دوران اختلاف نظرها خیلی کم است و زن و شوهرها خیلی شبیه به سالهای اول ازدواج هستند با این تفاوت که سعی می‌کنند از هر جهت رعایت حال یکدیگر را بکنند و کارهایی را انجام دهند که موجب ناراحتی دیگری نشود .

این ، مراحل مختلف تحولات روابط خانوادگی و زنشویی در دوران مختلف زندگی است که نسبت بسن مرد یا زن دچار تغییر میشود ، زن و شوهرهایی که اختلاف‌سنشان بیش از دو تا چهار سال بنا شده و در حقیقت باتفاق این دوران سخت تحول را طی می‌کنند و در هر دوران احساساتشان مشاخصه است ولی اگر اختلاف سن زن و شوهرها زیادتر باشد هر یک از آنها در یک دوران تحول قرار داشته و احساساتی مختلف دارند و در نتیجه دشواری و مشکلات زندگی آنها بیشتر خواهد بود و در اینصورت است که زن و شوهرها باید بیشتر مراعات حال و موقعیت یکدیگر را بکنند که بحرانی در زندگی زنشویی آنها پیدا نشود .



جوانی احتمال دارد افزایش پیدا نکند ولی کمتر از آنهم نخواهد شد . آنها دیگر از یک نواخت بودن زندگی ناراحت نمی‌شوند. مردان و زنهای این سنین به تفریح و استراحت بیشتر، به مسافرت زیادتر و به پیدا کردن تجربه در زندگی اهمیت زیادی میدهند. آنها میل زیادی بمعاشرت با افراد و طبقات مختلف پیدا میکنند و میخواهند زیادتر از سابق وارد اجتماع شوند. مردمان دیگر را بشناسند و با آنها رفت و آمد کند و بهمین جهت جلوگیری زن یا شوهر از معاشرت دیگری ممکن است ناراحتی و فاجعه‌ای بوجود آورد .

در این سنین زنان و مردان زیاد نگران سرنوشت فرزندان خود هستند و دائم‌اسیگویند وضع بچه‌ها چه خواهد شد ؟ و غالباً متوجه اشتباهاتی می‌شوند که در تربیت و پرورش بچه‌ها و مرتکب شده‌اند و خود را در این مورد گناهکار حس میکنند .

گرفتاری دیگر زن‌ها و شوهرهای این سنین جدایی از بچه‌هاست ، بچه‌های خانواده بزرگ شده‌اند و ازدواج کرده و خودشان تشکیل خانواده داده‌اند و از پدر و مادر جدایی شوند و پدر و مادر خود را تنها حس میکنند و از